

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه- کابل
۲۷ جنوری ۲۰۲۱



یونس نگاه

لقمه‌های خاردار ارگ

این شش نام گوشت را نه در کتاب‌های مکتب، نه در داستان‌های غربی و نه در حکایات شرقی خوانده بودم. نه قصاب محل، نه حاجی کوچه، نه خان منطقه و نه کدام دوست خوش اشتها تا حال به من گفته است که چنین دسته‌بندی‌هایی در گوشت وجود دارد:

۱ - گوشت گوسفند رانپر خسی* تازه

۲ - گوشت گوسفند رانپر نر تازه

۳ - چاسب گوسفند (معنای این یکی را هنوز نمی‌دانم)

۴ - گوشت پشت مغز گوساله

۵ - ماهی فلیت

۶ - ماهی لقمه** بدون خار

ماهی بدون خار شاید پیدا شود، ولی خوردن لقمه بی‌خار در ارگ محال است. همین تنوع طلبی افراطی گوشت حکایت خار است. مزه گوشت در ارگ از بسی فراوانی، گم شده است.

یک زمان عبدالرحمان خان در ارگ روزها با حکیمان وطنی و هندی‌اش نباتات طبی را شاخه شاخه و دسته دسته کرده با آب، بی‌آب، همراه عسل، بدون عسل، به شکل معجون، تازه، خشک و به شیوه‌های دیگر می‌خورد، چون تنش دچار درد بود، و سرپا ایستاد شده نمی‌توانست. نه نان لذت داشت و نه شاهی مزه می‌داد، نه دارو اثر داشت و نه استراحت کارساز بود.

پسرها حبیب الله خان پسرش در ارگ چنان مصروف دسته‌بندی خوراک‌ها و داروها بود که گاهی روزها به کار پادشاهی‌اش نمی‌رسید. او لگام شهوتش را از دست داده بود و در میان صدها زن و کنیز از درماندگی خود عذاب

می‌کشید. در جست و جوی یک لقمه بی‌خار به حکیمانش دستور می‌داد که پرندگان و خزندگان و جوندگان و علف‌ها را دسته دسته کرده تشریح کنند و برای درد او دوا بیابند. دوا اما در داروها نبود، در شیوه زندگی او بود. اگر او دست از تجاوز به زنان و دختران بر می‌داشت، مزه دهانش بر می‌گشت، درد کمر و دل‌بدی و گیجی‌اش گم می‌شد. بعد از حبیب الله نیز بارها قصه خارلقمگی ارگ نشینان زبان‌زد شده است. مینوی ارگ امروز هم حکایت از گرفتاری‌های پردردسر بزرگان حکومت دارد. بزرگان دولت از گم شدن لذت مزه چای هیل‌دار، نان گرم، شوربای لعاب‌دار، قورمه کچالو، لوبیا و بامیه در دهان‌شان، به عذاب‌اند. نمی‌دانند میان آن‌همه نعمات چگونه سیر شوند. در جمع‌شان از بس فراوانی‌ست، هر لقمه مثل خار پائین می‌رود. تا زمانی که از پرخوری دست نکشند و حرص سیرناشدنی خود را لگام نزنند، لقمه‌های‌شان خار خواهد داشت.

یادداشت:

وقتی مطلب حاضر را ویراستاری می‌نمودم، تنها از این بابت متأثر نشدم که مردم عادی نان خوردن خود را ندارند، شخص رئیس‌جمهور از ۹۰ درصد باشندگان کشور در زیر خط فقر صحبت می‌نماید، منابع بین‌المللی از تشدید فقر و گرسنگی میلیون‌ها انسان به ویژه کودکان هوشدار می‌دهند، مگر ارگ نشینان می‌خواهند مزه گوشت بودنه و کبک را در زیر دندانهای‌شان احساس نمایند، بلکه تأثرم از آن بابت بیشتر شد که دریافتم مردم ما را چنان یک مشت بی‌سوادی زیر نام اداره می‌چاپد که حتا نوشتن املاي درست کلمات را نیز نمی‌دانند، از جمله:

* - خسی با "س" به معنای پستی است، در حالی که در نوشته منظور از آن نوع گوسفندیست که جهت چاق شدن و پر بار شدن گوسفند "خایه" های آن را چکیده گوسفند را اخته می‌نمایند، به آن نوع گوسفند "خسی" می‌گویند.

خسی کلمه عربی و به معنای گوسفند اخته و یا بی‌خایه می‌باشد.

** - ماهی لقمه وجود ندارد، منظور نوعی ماهی بی‌خاریست که به نام "لقه" یاد شده در افغانستان بیشتر در دریای کنذ و آمو پیدا می‌شود.

ویراستار پورتال AA-AA